

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### چیزی که از آن صحبت نیست !

این روزها، بر اثر حوادث اخیر مدارس، همه جا صحبت از فرهنگ و نواقص برنامه‌های فرهنگی است.

عده‌ای میگویند: فرهنگ با وضع فعلی علاوه بر اینکه باری از دوش مردم این کشور برنمیدارد هر ساله هزاران نفر بیکار و سربار اجتماع هم درست میکند. زیرا نه تعلیمات فرهنگی طوری است که بتواند جوانان را آماده کارهای مهم اجتماعی کند و نه جوانان حاضرند بعد از آنهمه تحصیل بشغل‌های کوچک (البته از نظر آنها) تن در دهند.

دسته دیگری از اینهمه پارانفراتر نهاده و مدعیند که تعلیمات فرهنگی امروز بقدری ناقص است که حتی سواد درست فارسی و معلومات ساده عمومی را بچوانان یاد نمیدهد! جمع دیگری معتقدند که اگر وضع فرهنگ بهمین منوال پیش رود ممکن است سرانجام بصورت خطرناک و غیر قابل علاجی درآید. دانشگاه از پائین بودن سطح معلومات فارغ التحصیل‌های مدارس شکایت دارد، و فرهنگ از محدود بودن دانشگاه. در اینگونه جریانات معمولاً مردم گناه را بگردن اولیاء امور می‌اندازند و آنها هم بگردن یکدیگر و احياناً بگردن مردم!

بسیاری میگویند تا مدارس حرفه‌ای با اندازه کافی درست نشود و جوانان را برای اداره کردن هر يك از کارها و حرفه‌ها در دوران مدرسه تربیت نکنند، این وضع اسفناک ادامه پیدا خواهد کرد، و در باره چگونگی تشکیل مدارس حرفه‌ای و طرق تشویق

ماکار باینها نداریم همین قدر میدانیم که یک نکته مورد اتفاق عموم است و هیچکس در آن گفتگو ندارد و آن اینکه: «برنامه فعلی فرهنگ نواقص فراوانی دارد!»

\* \* \*

اما چیزی که از آن صحبت نیست توسعه و حشتناك فساد اخلاق در میان جوانان و محصلین است و اگر هم گاهی از آن صحبت مختصری شود معمولاً در حاشیه مطالب دیگر است.

توسعه فساد اخلاق مخصوصاً در میان جوانان، چیزی نیست که امروز از کسی مخفی باشد، هیچ فرده مسلمان و علاقه مند باین آب و خاک را پیدا نمیکنید که از این جهت نگران و متأثر نباشد.

جای تردید نیست که بفرض اینکه تمام نواقص تعلیماتی فرهنگ از بین برود و جوانان ما، بدون استثناء، با معلومات سرشار و بدرخور و اطلاعات وسیع و قابل استفاده و تسلط کامل در رشته های تخصصی از محیط فرهنگ بیرون آیند، ولی از نظر اخلاقی بنده و بار و فاقد روح ایمان و تقوی باشند، نه تنها مشکلی راحل نخواهند کرد بلکه مشکلات و بدبختیهای هم بر آنها خواهند افزود؛ زیرا مسلم است یک فرده رزه و لا ابالی که پای بند به هیچ اصلی نیست نه بفکر اجتماع است و نه بفکر آبرو و شخصیت خود، و جز خیانت و خرابکاری و فساد انتظاری از او نمیتوان داشت.

بی پرده باید گفت: مردم امروز از وضع اخلاقی فرزندان خود شکایت فراوان دارند، میگویند نمیدانیم این محیط مدارس چه محیطی است؟ فرزندان ما تا بمدرسه نرفته اند از بسیاری از مفاسد اخلاقی برکنارند اما همینکه بدبستان و بعداً بدبیرستان قدم گذارند در مدت کوتاهی چنان غرق در فساد اخلاق میشوند که با هیچ قدرتی نمیتوان آنها را بر گرداند، معلوم نیست در محیط فرهنگ چه عوامل مؤثری در این قسمت وجود دارد که باین زودی روحیه اطفال و جوانان را عوض میکند؟

حرفهایی که مردم درباره توسعه فساد در میان جوانان و اطفال دارند بسیار است و تمام آن هم نوشتنی نیست، و بعقیده ما خطر بزرگی که نسل جوان را تهدید میکند

## چیزیکه از آن ..... ۴

همینهاست ، کار بجائی رسیده که از جمله اموری که جزء دستور « کنفرانس عالی قضائی » قرار گرفته موضوع « فحشاء کودکان » است ! (۱)

\* \* \*

لابد میسر رسیدتصیر از کیست ؟ باید گفت از همه است هم از فرهنگ است و هم از مردم اما از فرهنگ است چرا ؟ زیرا :

تعلیمات اخلاقی و تربیتی در مدارس با اندازه ای ناقص است که حدی برای آن متصور نیست ، آموزگاران و دبیران اگر خیلی وظیفه شناس باشند معلم هستند نه مربی ! تعلیمات دینی مدارس بسیار کم و در عین حال خشک و بیروح است ، کتب تعلیمات دینی اغلاط و اشتباهات فاحشی دارد ، بسیاری از معلمین برنامه های دینی صلاحیتی برای این کار ندارند .

روشنتر بگوئیم : تعلیمات اخلاقی و دینی بصورت واقعی در مدارس کمتر دیده میشود و این مسائلی که بعمل میآید غالباً جنبه تشریفات بخود گرفته و اطفال و جوانان صالح و باشخصیت از افراد فاسد الاخلاق و بی ایمان امتیازی ندارند .

بدیهی است ، آموزگاران و دبیران باید قبل از هر چیز پاکی و درستکاری و راستگوئی و نوع دوستی و احترام بمقدسات مذهبی را عملاً با اطفال و جوانان بیاموزند و این حقیقت را بآنها حالی کنند که تعلیمات دینی و اخلاقی قبل از آنکه يك ماده درسی باشد يك ضرورت حیاتی و يك وظیفه مقدس انسانی است که با سر نوشت و سعادت او بستگی کامل دارد .

کتب تعلیمات دینی باید روح داشته باشد ، بندای روحانی فطرت که در تمام دلهاست پاسخ دهد ، پناهگاهی از سرگردانیهای روحی جوانان باشد ، سدی از تقوی و پرهیز کاری در برابر آلودگیها در وجود جوانان تشکیل دهد ، جوانان را واقعاً با اصول صحیح و متینی پای بند کند ؛ و بالاخره درس زندگی بآنها بیاموزد ، این کتب باید با دقت زیاد و زیر نظر جمعی از اهل فن تهیه شود .

فرهنگ باید تعلیمات دینی را اخلاقی را از این جنبه تشریفاتی بیرون ببرد و راستی برای آن ارزش و احترام قائل باشد، کارکنان فرهنگ باید هر کدام نمونه‌ای از تقوی و ایمان و مکارم اخلاق باشند، و برای محصلین پاکدامن و با ایمان ارزش زیادتری قائل شوند، نمی‌گوئیم باید با آنها مانند قهرمانان ورزشی، که جوانان غالباً سعی دارند در ردیف آنها قرار گیرند، جایزه و مدال و کاپ تقره بدهند، نه، تشویق آنها هم‌راهی دارد.

\* \* \*

اما مردم مقصودند زیرا:

نظارتی بر امر فرهنگ ندارند، بهر ترتیبی اطفال آنها تربیت شوند حرفی نمی‌زنند، بنام اینکه محیط و زمان اقتضا می‌کند شانه‌ها از زیر بار مسئولیت تربیت فرزندان بکلی خالی کرده و آنها را بخود وامی‌گذارند.

بی‌حالی و نادانی و احياناً محبت‌های دروغی مانع از این می‌شود که وضع فرزندان خود را از نزدیک کنترل کنند و در صورت لزوم درباره آنها سختگیری بخرج دهند گویا معتقدند وظیفه تربیت اطفال و جوانان فقط متوجه فرهنگ است و آنها هیچ‌گونه وظیفه‌ای در برابر این جریانات ندارند.

\* \* \*

اگر راستی اولیاء فرهنگ آنچه را که در بالا اشاره شد مورد توجه قرار دهند و جداً درباره آنها مطالعه کرده و تصمیم بگیرند، و پدران و مادران هم قبل از هر کس خود را در مقابل فرزندان خود مسئول بدانند و جداً کمر همت بتربیت آنها ببندند، از جریاناتی که در محیط مدارس می‌گذرد باخبر شوند و بسهم خود در اصلاح اخلاق فرزندان خود عملاً و قولاً اقدام کنند، تماس‌هایی را که فرزندان آنها در خارج از مدرسه دارند تحت نظر بگیرند، آنها را از رفتن بمرکزهای مختلفی که مایه فساد اخلاق آنهاست بازدارند، و بجای مجلات و روزنامه‌ها و کتابهای مضره کتب سودمند و شیرین اخلاقی در دسترس آنها بگذارند وضع بهتری جان‌نشین وضع اسفناک کنونی فعلی خواهد شد.